یادداشت روز

مقاومت یمن کابوس آل‌سعود

حمله روز شنبه پهپادهای یمنی به دو پالایشگاه مهم نفتی عربستان، آن‌قدر کوبنده بود که از آن به «بزرگ‌ترین شوک نفتی» ۲۰ سال اخیر یاد شد. اهمیت عملیات پهپادی مقاومت یمن از یک سو به خسارتی که وارد کرد و از سوی دیگر به «سازنده» و «هدایت‌کننده» آن باز می‌گردد. این خسارت و پیامد آن می‌توانست در یک حادثه طبیعی که هر از چند وقت یک‌بار در یک نقطه زمین اتفاق می‌افتد، روی دهد، اما از آنجا که امکان تکرار برنامه‌ریزی شده این رویداد وجود دارد، پیامد آن بسیار فراتر است. آنچه در این صحنه اتفاق افتاد فقط انهدام دو پالایشگاه بزرگ در مناطق خریص (Kharis) و بقیق (Baghigh) نبود بلکه عبور پهپادهای یک کشور که در حاشیه نگه داشته شده بود و اصابت به قلب پالایشگاه‌هایی بود که از سوی سیستم‌های دفاعی پرآوازه‌ترین کشور تحت پوشش به ظاهر مستحکم امنیتی قرار داشت. در واقع در این صحنه شاهد یک اتفاق راهبردی هستیم و اصلاً بیراه نیست که وزیر دفاع یمن می‌گوید کشورش حاضر است پوشش امنیتی عربستان را برعهده بگیرد و به این کشور سلاح‌های پیشرفته و کارآمد بفروشد. درخصوص این رویداد نکات زیر اهمیت دارند:

۱ـ انفجار مهیب روز شنبه دو پالایشگاه مهم نفتی که به گفته مقامات آمریکا منجر به کاهش نیمی از تولیدات نفت عربستان گردید و بعد از مدت‌ها به جهش در قیمت نفت منتهی شد، نشان داد آمریکا و عوامل منطقه‌ای آنان بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند و هیچ نقطه امنی برای تأسیسات و مایملک آنها وجود ندارد. با توجه به اینکه حدود یک ماه پیش هم، مقاومت یمن با ده فروند هواپیمای بدون سرنشین به تأسیسات نفتی الشیبه سعودی واقع در ۱۰ کیلومتری مرز امارات حمله کرد و ضربات سنگینی به این تأسیسات وارد نمود، به نفع سعودی‌ها بود که یک ماه پیش به تجاوز خود علیه مردم مظلوم یمن خاتمه دهند. دولت سعودی در آن تاریخ، علی‌رغم آنکه بارها طعم تلخ شکست از یمنی‌ها را چشیده بود لجاجت کرد. حال آنان با یک صحنه بزرگ‌تر مواجه گردیده‌اند. یکی از این پالایشگاه‌ها فاصله چندانی با ریاض، پایتخت سعودی نداشته است و این نشان می‌دهد اگر از نظر مقاومت یمن ضرورتی داشته باشد، دفعه دیگر این ریاض است که به‌طور گسترده مورد حمله قرار خواهد گرفت. این در حالی است که پوسته حفاظتی پالایشگاه‌های آرامکو از پوسته دفاعی ریاض ضخیم‌تر است. با این وصف اینک این سؤال وجود دارد که بعد از این ماجرا، عربستان چه کار خواهد کرد؟ آیا به سیاست بی‌خردانه کنونی ادامه می‌دهد و یا در ریاض قوه عاقله‌ای وجود دارد که جلوی ادامه خسارت را بگیرد.

۲ـ حمله پهپادهای مهاجم انصارالله به تعبیر دو روز پیش روزنامه اسرائیلی جروزالم‌پست، «تشدید تنش جدی» بود. یکی از دو هدف مورد تهاجم در یک ماه اخیر در نزدیکی امارات قرار داشت. سیگنال‌های دو ماه اخیر امارات این انتظار را به‌وجود آورد که این کشور میدان یمن را ترک می‌کند، اما تحولات نظامی و سیاسی یک ماه اخیر جنوب یمن به این انتظار پایان داد و معلوم شد امارات کماکان به تجاوزات خود علیه مردم یمن ادامه خواهد داد. حالا مقاومت یمن با عملیات پهپادی علیه خریص و بقیق علامت جدیدی را به امارات نیز داده است. امارات نمی‌تواند به سیاست منافقانه و ریاکارانه کنونی ادامه دهد و باید بداند تجزیه یمن جرمی بزرگ‌تر از جنگ علیه یمن است. اگر در ابوظبی و دبی مردان عاقلی وجود داشته باشد، سریع عقب می‌کشند و خوب و بد یمن را به مردم آن واگذار می‌کنند. اتفاق یک ماه پیش الشیبه و یا اتفاق سه روز پیش خریص و بقیق اگر در دبی یا ابوظبی روی دهد، چیزی از این دو امارت باقی نمی‌ماند و امارات به یک کشور پرریسک تبدیل می‌شود. اخطار هفته پیش رهبر مقاومت یمن به امارات از این منظر خیلی مهم بود. امارات باید بداند تفاوتی میان امثال پمپئو با امثال عبدالملک و نصرالله وجود دارد. پمپئو می‌گوید ماجرای پرطنین سه روز پیش پالایشگاه‌های استان الشرقیه کار ایران است، بعد از آن هم کاری از دستش برنمی‌آید و یک سناتور آمریکایی برای اینکه از دامنه افتضاح آمریکا بکاهد، می‌گوید البته فن‌آوری پهپادهای مهاجمی که خریص و بقیق را به جهنمی تبدیل کردند، مربوط به ایران بود، نه خود پهپادها و نقطه‌ای که از آن به پرواز درآمدند! اما وقتی عبدالملک و نصرالله آشکارا می‌گویند مسئولیت کاری برعهده رژیم عربستان یا رژیم اسرائیل است، معنایش این است که مخاطب باید در انتظار ضربات کوبنده آنان باشد. امارات و عربستان باید با دقت به تجزیه و تحلیل این تفاوت‌ها بپردازند و وقت خود را در رسیدن به موضعی درست در پرونده یمن تلف نکنند.

۳ـ عملیات پرطنین روز شنبه مقاومت یمن علیه تأسیسات عظیم نفتی سعودی، قدرت عملیاتی مقاومت یمن را به خوبی نشان داد. یک روزنامه رژیم صهیونیستی با اعجاب از «توانایی اپراتورهای هواپیماهای بدون سرنشین» مقاومت یمن سخن گفت. واقعیت این است که حجم خسارت وارده به تأسیسات عظیم نفتی در استان الشرقیه از قابلیت نظامی و اطلاعاتی پهپادهای ساخت یمن پرده برداشت. کاملاً معلوم است که این هواپیماها میزان قابل توجهی مهمات را با خود حمل و ۱۰۵۰ کیلومتر مسافت را طی کرده‌اند. حجم آتش نشان داد که همه موشک‌های مقاومت یمن که از سوی اپراتورها شلیک شده‌اند، به هدف اصابت کرده‌اند و خود اصابت آنان نیز از اطلاعات بدون خدشه طرف یمنی حکایت می‌کند که این ترکیبی از سیستم پیشرفته و سنتی بوده که در بیانیه مقاومت یمن به آن اشاره شد. ضربه نظامی، امنیتی روز شنبه آن‌قدر سنگین و پرمعنا بود که آمریکا، عربستان و اتحادیه عرب را به پرت و پلاگویی انداخت. وزیر خارجه آمریکا در اولین موضع، ایران را مسئول حادثه و عامل آن معرفی نمود و بعضی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا که نمی‌خواستند برای این عملیات دقیق منشأ یمنی قایل شوند، در پی سخن پمپئو رفتند تا بلکه سرنخی از سرزمین‌های جنوب ایران پیدا کنند ولی ناکام ماندند از آن طرف این سخن پمپئو در برابر قدرت و کارآمدی سیستم دفاعی و سیاسی آمریکا علامت سؤال جدی قرار می‌داد و لذا یک سناتور شدیداً ضدایرانی آمریکا به صحنه آمد و گفت صرفاً فن‌آوری این پهپادها متعلق به ایران است. اروپایی‌ها ضمن اعلام همبستگی با عربستان و محکوم کردن این اقدام، از متهم کردن ایران و یا به‌کار بردن عبارات گزنده علیه مقاومت یمن خودداری کردند، اما اتحادیه عرب در وضعیتی قرار داشت که نه می‌توانست سکوت کند و نه حرف وزینی بزند، لذا ایران را مانند گذشته و با همان ادبیات سنتی محکوم کرد، اما به هیچ اقدامی علیه ایران اشاره نداشت. امارات که شریک راهبردی عربستان در جنگ علیه یمن به‌حساب می‌آید، بیش از دیگران جانب احتیاط را رعایت کرد در موضع‌گیری امارات هیچ اشاره‌ای به ایران یا انصارالله نشد و تنها از اعلام همبستگی ابوظبی با ریاض خبر داد. در واقع آنچه در این صحنه به‌وجود آمد، نشان داد که بهت ناشی از اقدام دقیق روز شنبه مقاومت یمن، آنان را به «استیصال» رسانده است.

۴ـ اقدام روز شنبه انصارالله از سطح بالایی از هوشمندی خبر داد. از نظر زمانی این اقدام در فضای تبلیغاتی ضدفلسطینی نتانیاهو یک ضرب شست بود. نتانیاهو با بن‌سلمان و بن‌زاید هم‌پیمانی دارد، او تهدید می‌کند و در نقطه مقابل آنان یک ضلع مقاومت، ضربه سنگینی را به عربستان وارد می‌کند. این نشان می‌دهد که موازنه عملیاتی در منطقه به نفع جبهه مقاومت است از نظر مکان این عملیات هوشمندانه در استان الشرقیه روی داده که از یک سو قلب پالایش نفت سعودی است و از سوی دیگر کانون اصلی حضور ۴/۵ میلیون شیعه اثنی عشری است و این به آن معناست که عملیات پهپادی می‌تواند از سوی مردم بومی پشتیبانی اطلاعاتی شود و این در واقع یک کابوس ویرانگر برای متجاوزان به‌حساب می‌آید. شاید از همین رو بود که سرویس اطلاعاتی سعودی ابتدا انگشت اشاره را به سمت عراق برد و مدعی شد این عملیات از نقطه‌ای در بیابان‌های استان نجف هدایت شده است و بعضی دیگر تلاش کردند تا نقطه‌ای در ربع‌الخالی را نشان داده و بگویند حوثی‌ها با نفوذ در این بیابان بسیار بزرگ و رمزآلود، توانسته‌اند عملیات علیه مناطق نفتی خریص و بقیق را هدایت نمایند. اما البته هیچ کدام از این ادعاها جایی باز نکرد و همه قبول کردند عملیات روز شنبه یک عملیات عظیم یمنی است و مقاومت یمن خود به ظرفیت ساخت این جنگ‌افزارهای حساس رسیده است.

سعدالله زارعی

پس از حمله سنگین انصارالله به تاسیسات نفتی

آمریکا و عربستان بدون ارائه سند ایران را متهم کردند

سرویس سیاسی- **حملات پهپادی یمنی‌ها که در پاسخ به تهاجمات سعودی‌ها صورت گرفته، باعث شده است صحنه‌ای از ضعف نظامی عربستان و آمریکا به نمایش درآید؛ تأسیسات نفتی سعودی‌ها آسیب ببیند؛ تولید نفت عربستان به میزان ۵۰ درصد کاهش یابد و البته تیر اتهام‌زنی آمریکایی‌ها علیه ایران نیز به سنگ بخورد!**

روز شنبه خبری به ترند اول گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌های منطقه و خارجی تبدیل شد؛ انصارالله یمن در جدیدترین حمله خود با ۱۰ پهپاد انتحاری، «تأسیسات نفتی دولتی آرامکو» در مناطق بقیق و خُرَیص در شرق عربستان سعودی» را هدف قرارداد و قلب صنعت نفت این کشور را بمباران کرد.

همراهی گروه‌های عربستانی

«حزام الاسد» عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن درباره جزئیات این حملات پهپادی در گفت‌وگو با شبکه خبری العهد اظهار داشت که بمباران آرامکو، در جریان یک عملیات اطلاعاتی و در چارچوب حق مشروع یمن در پاسخ به حملات سعودی صورت گرفته است.

وی اظهار داشت: همکاری شرافتمندانه آزادگان داخل سعودی، نقش مهمی در موفقیت این عملیات هوایی در عربستان داشت. این مسئول یمنی خاطرنشان کرد که بانک اهداف یمنی در داخل عربستان روزبه‌روز گسترش می‌یابد. وی در پایان تأکید کرد این حملات در روزهای آتی ادامه پیدا خواهد کرد.

«یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن نیز با صدور بیانیه‌ای دراین‌باره اعلام کرد این عملیات یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌هایی است که نیروهای ما در عمق سعودی انجام داده و پس از رصد اطلاعاتی دقیق و همکاری افراد شریف و آزاده در داخل عربستان سعودی صورت گرفته است.

«محمد البخیتی» عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن در مصاحبه با تسنیم گفت: عربستان به این بهانه که موشک‌های ما تهدیدی برای امنیت آن به شمار می‌رود علیه ما «اعلام جنگ» کرد و امروز وقتی چاه‌های نفت سعودی را هدف قرار می‌دهیم، دیگران را به انجام عملیات متهم می‌کند.

نصف شدن صادرات نفت عربستان

خبرگزاری رویترز با پوشش خبر حمله پهپادی به تأسیسات نفتی عربستان گزارش داد که این حملات باعث ایجاد اختلال در تولید و صادرات نفت عربستان شده است. رویترز افزود که حملات پهپادی به تأسیسات نفتی عربستان، بر تولید روزانه هفت میلیون بشکه نفت تأثیر گذاشته و صادرات نفت این کشور را تا نصف تقلیل داده است.

عبدالعزیز بن‌سلمان وزیر انرژی سعودی هم گفت که آمار اولیه نشان می‌دهد این حملات باعث شد حدود ۵/۷ میلیون بشکه از تولید نفت خام این شرکت کاهش یابد که چیزی معادل نصف تولید آرامکو است.

بر اساس گزارش برخی رسانه‌ها، این حمله سومین حمله به تأسیسات نفتی شرکت آرامکو در کمتر از ۶ ماه گذشته است. نخستین حمله اواسط ماه مه انجام شد که در آن، سه خط لوله پمپاژ نفت شرق به غرب با ۷ پهپاد هدف قرار گرفت. حمله دوم به میدان نفتی الشیبه صورت گرفت که حدود نیم میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند. علاوه بر آن‌ها، حمله روز شنبه است که تاکنون در جایگاه سوم و مهم‌ترین حمله قرار دارد.

اتهام‌زنی‌های آمریکایی به ایران

ساعاتی بعد از این حمله بود که آمریکایی‌ها برای توجیه شکست و رسوایی خود که بحران افزایش قیمت نفت و به صدا درآمدن آژیرهای خطر در بازارهای بورس جهانی را به دنبال داشت، شروع به اتهام‌زنی علیه جمهوری اسلامی ایران کردند.

وزیر خارجه آمریکا روز شنبه با منکر شدن نقش نیروهای مردمی یمن در این حمله و اتهام به ایران، ادعا کرد که ایران درگیر یک «دیپلماسی دروغین» شده است! پمپئو در یک پیام توییتری نوشت: «درحالی‌که روحانی و ظریف وانمود می‌کنند به دیپلماسی متعهد هستند، تهران تقریباً در ۱۰۰ حمله به عربستان سعودی نقش داشته است، در میانه تمام فراخوان‌ها برای تنش‌زدایی، ایران هم‌اکنون به حمله‌ای بی‌سابقه علیه منبع انرژی جهان دست زده است.»

همچنین «ریک پری» وزیر انرژی آمریکا طی سخنانی در نشست سالانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین دراین‌باره مدعی شد: حمله به عربستان سعودی، حمله به نظام انرژی جهان است و ایران باید از این بابت پاسخگو باشد. وی افزود: به‌رغم تلاش‌های بدخواهانه ایران، اطمینان زیادی داریم که بازار (نفت) مقاوم است و واکنش مثبتی از خود نشان خواهد داد.

یک مقام آمریکایی نیز در گفت‌وگو با رویترز مدعی شد شواهد حاکی از دست داشتن ایران در حمله به تأسیسات «آرامکو» شرکت نفت عربستان سعودی است. وی همچنین مدعی شد مقامات سعودی نشانه‌هایی دارند مبنی بر اینکه در حمله به آرامکو از موشک‌های «کروز» استفاده شده و به‌زعم آنها این موضوع با گفته حوثی‌ها مبنی بر اینکه حمله با استفاده از ۱۰ پهپاد انجام شده، همخوانی ندارد!

همچنین «لیندسی گراهام» سناتور جنگ طلب و جمهوریخواه آمریکا با دستاویز قرار دادن حمله پهپادی روز شنبه به تأسیسات نفتی عربستان، خواستار اقدام تلافی‌جویانه آمریکا و حمله این کشور به تأسیسات نفتی ایران شد.

یک مقام ارشد آمریکایی هم روز یک‌شنبه به شبکه خبری ای‌بی‌سی گفت که معتقد است ایران با استفاده از بیش از ۱۰ موشک کروز و بیش از ۲۰ پهپاد از خاک خود باعث تخریب بخشی از تأسیسات نفتی در مرکز عربستان شده است!

تلاش آمریکا برای ایران‌هراسی

نکته جالب آنکه پمپئو، وزیر خارجه آمریکا بازهم بی‌کار ننشست و روز یکشنبه نیز دست به توییت شد و با تکرار ادعاهای بی‌اساس علیه ایران در صفحه شخصی توییتر خود نوشت: «ایران در بحبوحه تمام درخواست‌هایش برای کاهش‌تنش، اکنون حمله بی‌سابقه‌ای را علیه این تأمین‌کننده انرژی جهان (عربستان سعودی) انجام داده است. هیچ مدرکی از اینکه حملات از یمن انجام شده باشند، وجود ندارد»

وزیر خارجه آمریکا در تلاش برای ایجاد ایران‌هراسی در جهان افزود: «از تمام کشورها می‌خواهیم علناً و یک‌صدا حملات ایران را محکوم کنند. ایالات‌متحده با شرکا و متحدان خود همکاری خواهد کرد تا از تأمین انرژی در بازارها اطمینان حاصل کرده و ایران را به‌خاطر تجاوزهایش، پاسخگو کند».

مخالفت‌ها در داخل آمریکا

اما این ادعای پمپئو وزیر خارجه آمریکا، واکنش‌های منفی متعددی را در داخل آمریکا در پی داشت. سناتور «کریس مورفی» از حزب دموکرات، «بن رودز» معاون مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، «اندرو فاینبرگ» خبرنگار آمریکایی حوزه کاخ سفید، «آرون دیوید میلر» عضو ارشد اندیشکده کارنگی و چند تن از فعالان و مقامات سیاسی آمریکا، اتهام‌زنی بی‌سند و مدرک پمپئو به تهران را مورد انتقاد قرار دادند.

واکنش چین، انگلیس و روسیه؛ عدم همراهی با آمریکا

«هوا چون بینگ» سخنگوی وزارت خارجه چین روز دوشنبه از اتهام‌زنی‌های بی‌سند آمریکایی‌ها به ایران انتقاد کرد و گفت: «بدون مدرک نمی‌توان هیچ کشوری را مسئول این عملیات دانست و سرزنش کسی به دلیل حمله به تأسیسات نفتی عربستان بدون در دست داشتن مدارک قطعی بی‌مسئولیتی است.»

در همین حال وزارت خارجه انگلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «قبل از هرگونه واکنشی در مورد این حادثه باید حقایق کامل در مورد مسئول این عملیات مشخص شود.»

«دومینیک راب» وزیر خارجه انگلیس نیز با تأکید بر این‌که هنوز واقعیت امر برای لندن مشخص نشده و بررسی‌ها برای مشخص شدن مسئول این عملیات ادامه دارد، افزود: «نباید بدون مدارک متقن واکنشی به این ماجرا نشان داد.»

همچنین به گزارش رسانه‌های خارجی، مقامات پارلمانی روسیه در مواضعی جداگانه تأکید کردند دلیلی برای متهم کردن ایران به دست داشتن در حمله پهپادی به تأسیسات نفتی عربستان سعودی وجود نداشته و این اتهام‌زنی، ادامه سیاست آمریکا در مقصر جلوه‌دادن تهران در هر حادثه بدی در خاورمیانه است.

قُمپز درکردن ترامپ

از میان واکنش مقامات و رسانه‌های خارجی، واکنش رئیس‌جمهوری آمریکا از همه جالب‌توجه‌تر است. دونالد ترامپ روز گذشته در واکنش به حملات پهپادی به ۲ پالایشگاه بزرگ عربستان سعودی با ادبیاتی تهدیدآمیز و فیگوری کدخدامنشانه اعلام کرد که آمریکا منتظر می‌ماند تا ببیند عربستان چه کسی را رسماً مقصر معرفی می‌کند!

بقیه در صفحه۱۱

گفت و شنود

ژله!

گفت: حمله پهپادی مقاومت یمن به تاسیسات نفتی عربستان که نصف صادرات نفت آل‌سعود را متوقف کرد، علاوه بر آل‌سعود و امارات که از ترس قالب تهی کرده‌اند، آمریکا و اسرائیل را هم بدجوری به وحشت انداخته است.

گفتم: خب، باید هم وحشت کنند چون انصارالله نشان داد، اولاً قدرت فراوانی دارد و ثانیاً از حمله به سایر حامیان عربستان و امارات هم خودداری نخواهد کرد.

گفت: اتفاقاً انصارالله و حزب‌الله اعلام کرده‌اند که مسئولیت اصلی جنایات آل‌سعود علیه یمن بر عهده آمریکا و اسرائیل است. یعنی بعد از عربستان و امارات، اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا در منطقه هم باید منتظر سیلی‌های سخت مقاومت باشند.

گفتم: طرف در یخچال را باز کرد که آب بخورد، دید ژله‌ای که درون یخچال است بدجوری می‌لرزد، بهش گفت؛ فعلاً می‌خوام آب بخورم، بعداً به سراغت میآم و حسابتو می‌رسم!

توقیف شناور حامل ۲۵۰ هزار لیتر سوخت قاچاق در خلیج فارس

جانشین منطقه پنجم نیروی دریایی سپاه از توقیف شناور حامل تقریبا ۲۵۰هزار لیتر سوخت قاچاق در آب‌های خلیج فارس خبر داد.

سرهنگ محمدنجفی، در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در بندرلنگه گفت :طی عملیات رصد و کنترل ترددهای شناوری در خلیج فارس به منظور کشف و مقابله با قاچاق سازمان یافته گشت‌های شناوری منطقه پنجم نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس در محدوده ماموریتی این منطقه، با اشراف اطلاعاتی عملیاتی و اطمینان از قاچاق سوخت به وسیله یکی از لنج‌ها، در اقدامی غافلگیرکننده این شناور را توقیف کردند.

وی با اشاره به اینکه خوشبختانه دلاورمردان نیروی دریایی بدون کوچک‌ترین درگیری این شناور را توقیف کردند، افزود: این لنج توقیفی حامل تقریبا ۲۵۰ هزار لیتر سوخت قاچاق از نوع گازوئیل به همراه ۱۱ خدمه است که علاوه بر سوخت قاچاق، تعداد ۳۰ عدد منوردستی که به جهت درگیری و فرار از دست مامورین به کار می‌رود نیز از این شناور کشف شد.

جانشین منطقه پنجم نیروی دریایی سپاه یادآور شد: نکته جالبی که در این لنج به چشم می‌خورد ایجاد سازهای بتنی اطراف شناور جهت نفوذناپذیری و نرده‌کشی برای جلوگیری و ممانعت از ورود مامورین و همچنین ایجاد مخزن در قسمت پایینی لنج و تعدادی کف‌کش به منظور تخلیه و سوخت‌گیری بود.

نجفی خاطرنشان کرد: این دسته از شناورها سوخت قاچاق را از شناورهای کوچکتر خریداری کرده و پس از ذخیره در مخازنی که در این لنج تعبیه کرده بودند در فرصت مناسب به شناورهای بزرگتر و عمدتا خارجی که در این زمینه فعالیت داشتند می‌فروختند.

وی بیان داشت: این لنج پس از توقیف به همراه خدمه و محموله مکشوفه جهت سیر مراحل قضایی تحویل مراجعه ذی‌صلاح در شهرستان بندرلنگه شد.

خبر ویژه

از توسعه به قیمت له شدن مردم تا شعار عدالت‌خواهی کارگزاران

یک کارشناس سیاسی و فرهنگی در نقد بیانیه اخیر حزب کارگزاران گفت: عاملان مشکلات موجود، طلبکار عدالت شده‌اند.

شهریار زرشناس در گفت‌وگو با روزنامه جام‌جم اظهار داشت: این‌که کارگزاران در مقام یک مدعی و یک ناصح و مصلح ظاهر شده است و اینگونه وانمود می‌کند که آمده تا روند نابسامان امور را به سامان برساند در صورتی که این حزب، مسئول و چه بسا متهم و مقصر دشواری‌ها و نابسامانی‌های کنونی اقتصادی کشور است و اگر قرار است این حزب موضعی بگیرد قطعا موضع ناصحیت نخواهد بود بلکه باید موضع پاسخگویی باشد.

حقوق‌های معوقه و شرایط دشوار معیشتی کارگران، عمدتا نتیجه سیاست‌های اقتصادی حزب کارگزاران و نتیجه نحوه و نوع خصوصی‌سازی این حزب بوده است. مسئولان این حزب به دنبال این هستند که از اعتراضاتی که نتیجه سیاست‌های اقتصادی خودشان است به عنوان فرصت استفاده کنند و به عنوان مدعی ظاهر شوند. وی با اشاره به نسخه اقتصادی کارگزاران در دولت سازندگی گفت: این نسخه توسط عده‌ای از مدیران در سال ۶۸ برای بازسازی اقتصاد کشور، انتخاب شد. آن مدیران در سال ۱۳۷۵، حزب کارگزاران را تاسیس کردند و در سال‌های ۶۸ تا ۷۶، ریل‌گذاری زیرساختی اقتصاد ایران را در دوران موسوم به سازندگی انجام دادند. از سال ۷۶ به بعد هم علی‌رغم این‌که جریان اصلاحات ظاهرا قدرت را به دست گرفت باز هم سیاستگذاری اقتصادی کشور از نظر رویکرد و الگو و اندیشه، تداوم همان خط فکری مدیران قبلی بود. به علاوه این‌که برخی از مدیران عضو کارگزاران هم در دولت اصلاحات بودند.

زرشناس خاطرنشان کرد: در دولت کنونی، بخشی از مدیران کارگزارانی به عنوان مسئول حضور دارند و الگوی اقتصادی اجتماعی حاکم نیز همان الگوی نئولیبرالی است. این سیاست‌ها، حرکت انقلاب در مسیر اجرای عدالت را کند و ایجاد مشکل کرده است. توسعه مدنظر این حزب، توسعه سرمایه‌داری است و نتایجی که داشته، همگی در تقابل با عدالت است و حالا اینها مدعی هستند عدالت از مسیر سیاست‌های توسعه‌ای این حزب می‌گذرد.

همین مدیران در سال‌های ۶۹ و ۷۰، می‌گفتند حتی به قیمت له شدن گروه‌هایی از مردم باید به توسعه برسیم. این در حالی است که سودانگاری سرمایه‌دارانه در این مدل، عدالت را قربانی می‌کند. الان هم که حزب کارگزاران می‌گوید راه عدالت از توسعه می‌گذرد به همین معناست که در این الگو، تقدم با توسعه است و توسعه آنها بدون عدالت است.

این کارشناس اقتصادی افزود: باید به روند خصوصی‌سازی سال‌های ۶۸ تا ۷۶ برگردیم که مستقیما کارگزاران در راس بودند. نشریه صبح در سال‌های ۷۷- ۷۶ ویژه‌نامه‌ای درباره دو نفر از وزیران دولت اصلاحات که هر دو هم کارگزارانی بودند منتشر کرد و در آن دقیقا چند نمونه از فرآیندهای اقتصادی را به صورت مستند تشریح کرد. در این فرآیندها یک وزیر یا یک مدیر، یک شرکت به نام مثلا یکی از اقوامش تاسیس می‌کرد و بعد به جای این‌که در قالب تعاونی یا سهامی یا گونه‌های دیگری که می‌توان اکثر مردم را وارد کرد عمل شود کارخانه‌ها و تجارتخانه‌ها تحت عنوان خصوصی‌سازی به این شرکت‌ها واگذار شد. ما انبوهی از نمونه‌های این خصوصی‌سازی را در دوره سازندگی داشتیم.

زرشناس گفت: در همان دوران سازندگی و اعتراضات اسلامشهر معروف است که یکی از مدیران وقت به عنوان راه‌حل می‌گفت که باید باتوم و سپر بخریم. سیاست‌های نئولیبرالی در هر جای دنیا که اجرا شده موجب تشدید فقر و فاصله طبقاتی شده است.

از لُمپنیسم توبه کرده‌اید که نقاب گفت‌وگو به صورت می‌زنید؟!

یک روزنامه زنجیره‌ای و حامی فتنه، در حالی تیتر «گفت‌وگو، سد راه لُمپن‌ها در انتخابات» را تیتر کرد که رفتار فتنه‌گران در سال۷۸ و ۸۸، مصداق کامل و جامع لُمپنیسم است.

روزنامه اعتماد ذیل تیتر «گفت‌وگوی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، سد راه لُمپن‌ها در انتخابات» نوشت: از آشتی ملی، طرحی که سیدمحمد خاتمی ارایه کرد تا میثاق‌نامه گفت‌وگوی ملی که این روزها، اخباری از آن به گوش می‌رسد، فراز و فرودهای فراوانی طی شده است. چنانکه پیرو حوادث پس از انتخابات ۸۸ و عواقب تصمیماتی که برای مقابله با اتفاقات آن سال اتخاذ شد، شکافی میان نیروهای سیاسی پدید آمد که به نحوی دیگر میان پایگاه اجتماعی این دو جریان سیاسی نیز فاصله انداخت.

پس برای مقابله با این شکاف که در عرصه سیاسی و اجتماعی اتفاق افتاده بود، سیدمحمد خاتمی، ایده «آشتی ملی» را در ۱۹ بهمن‌ماه ۹۵ مطرح کرد و واکنش‌های فراوانی ازسوی دو جریان سیاسی به این طرح شد. با آنکه برخی اصولگرایان نیز به‌طور کلی نوعی سکوت توام با رضایت پیشه کردند اما در همان روزها دیگر چهره‌های سیاسی به مقابله با آن پرداختند. رییس قوه قضاییه وقت این طرح را به «رسانه‌های بیگانه» نسبت داد و احمد توکلی نیز در حساب کاربری‌اش در توییتر نوشت: «با آشتی ملی موافقم. اما مقدمه آشتی ملی پذیرش اشتباه و عذرخواهی رسمی دولت اصلاحات است.» از آن روز تا امروز لزوم گفت‌وگو در محورهای متعددی مطرح شده است. از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگو می‌توان به گفت‌وگو بین جریان نیروهای اصلاح‌طلب و اصولگرا، گفت‌وگوی درون‌گفتمانی و گفت‌وگو میان وزارت کشور و شورای نگهبان اشاره کرد. محورهایی که چهره‌های سیاسی و مقامات کشوری در اظهارنظرهای دیروز خود به آنها پرداخته‌اند.

این روزنامه سپس از قول احمد مازنی عضو فراکسیون امید در مجلس می‌نویسد: «پیش از این با سیدمحمد خاتمی، نجفقلی حبیبی، بهزاد نبوی، علی شکوری‌راد، غلامحسین کرباسچی، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، احمد توکلی و محمدرضا باهنر نیز درباره گفت‌وگوی ملی صحبت کرده‌ام.» در این زمینه میثاق‌نامه انتخاباتی گفت‌وگوی ملی در حال تهیه است. همزمان درون مجلس هم مجمع گفت‌وگوی ملی را تشکیل داده‌ایم که از یک جمع ۲۵ نفره از طیف‌های مختلف تشکیل و تاکنون ۶ جلسه از این مجمع نیز برگزار شده است.» مازنی افزود: «هر قدر ما افکار عمومی را به فضای گفت‌وگومحور در کشور نزدیک کنیم، مردم انتخاب‌هایشان دقیق‌تر می‌شود. صدای لمپن‌ها معمولا بلندتر است اما اگر در کشور گفت‌وگوی منطقی شکل بگیرد، می‌توان صدای لمپن‌ها را پایین آورد و آن صداها دیگر تاثیری نمی‌گذارد.

روزنامه ایران هم از قول مازنی نوشت: نهمین جلسه گفت‌وگوی ملی دو هفته پیش در دفتر محمدرضا عارف برگزار شده و بجز عارف رئیس فراکسیون امید، سیدمحمد صدر، محمدرضا باهنر، سیدمحمدحسن ابوترابی فرد، عزت‌الله ضرغامی و احمد توکلی اعضایی هستند که نسبتاً منظم در این جلسات شرکت می‌کنند. مجید انصاری، عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز هم گاهی در جلسات حضور می‌یابد و قرار است علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم به این جمع اضافه شود. مازنی البته گفته که از علی عسکری، رئیس سازمان صدا و سیما هم دعوت شده در این جلسات شرکت کند که تاکنون به خاطر تداخل برنامه‌هایش با جلسات نتوانسته حضور یابد.

یادآور می‌شود لُمپن اصطلاحاً به عناصر قانون‌شکن و لات مسلک و چاقوکش که رعایت قانون و حقوق عمومی را نکنند اطلاق می‌شود. و با این معنا باید از عناصر فعال در فتنه ۸۸ که مجبور شده‌اند دنده عقب بگیرند و دوباره به اسم آشتی و گفت‌وگوی ملی تله‌گذاری کنند پرسید: آیا از شما قانون‌شکن‌تر و لات‌مسلک‌تر در فضای سیاسی پیدا می‌شود؟

آیا همین خاتمی و سایر سران فتنه نبودند با القای تقلب مردم را- که بعداً خاتمی اعتراف کرد دروغ بوده- در مقابل رأی اکثریت دعوت به شورش کردند و فضا را برای اوباشگری گروهک‌های ضدانقلابی و عناصر وابسته به سرویس‌های جاسوسی بیگانه مهیا کردند؟ کدام آشتی؟ مگر می شود بین دزد و قاتل و جنایتکار با پلیس و قربانی و کسی که دزد به اموالش زده آشتی برقرار کرد؟ همچنان عذرخواهی از پیشگاه ملت و نظام به‌خاطر خیانت و وطن‌فروشی بزرگ سال ۸۸ و همسویی با سناریوی دشمن که به دادن گرای تحریم‌های اقتصادی ختم شد، بر گردن سازمان‌دهندگان فتنه سنگینی می‌کند و البته موضوع مجازات آنها، بحث جداگانه‌ای است.

خیز مشاور خاتمی برای زدن برچسب پفیوز به اصلاح‌طلبان

در حالی که یک اصلاح‌طلب می‌گوید باید در انتخابات شرکت کنیم، یک اصلاح‌طلب دیگر می‌گوید اصلاح‌طلبان اگر در انتخابات به شکل مشروط شرکت نکنند، پفیوز هستند! اظهارات اخیر عبدالله ناصری در حالی است که کارشناسان معتقدند اصلاح‌طلبان مانند همیشه از این بازارگرمی‌ها و شرط‌گذاری‌ها و مظلوم‌نمایی‌هایی انجام می‌دهند اما در عین حال در انتخابات هم شرکت می‌کنند و حال آنکه شورای نگهبان هرگز، شرط‌گذاری در انتخابات را نپذیرفته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد سخنان ناصری (مشاور خاتمی) نوعی خودزنی و استقبال پیشاپیش از عنوان پفیوز است.

روزنامه آرمان اخیرا از قول یک نماینده اصلاح‌طلب نوشت: تحت هر شرایطی لیست انتخاباتی می‌دهیم. چند دیدگاه در رابطه با انتخابات مجلس یازدهم در بین ما اصلاح‌طلبان مطرح شده است. یک دیدگاه این است که ما نه تنها تحریم نمی‌کنیم، بلکه مشارکت فعالی داریم و تحت هر شرایطی هم لیست می‌دهیم. یک دیدگاه هم ۱۸۰ درجه نقطه مقابل این‌هاست که می‌گویند ما برای لغو نظارت استصوابی شرط می‌گذاریم و اگر این کار انجام شد، ما شرکت می‌کنیم، فعال می‌شویم و لیست می‌دهیم؛ این بحث به حضور مشروط در انتخابات مشهور شده است. اما عبدالله ناصری مشاور خاتمی به ایلنا گفته است: اصلاح‌طلبان باید بپذیرند اگر شرکت در انتخابات را مشروط نکنند، نزد جامعه مدنی و مردم به‌عنوان نامردان و پفیوزهای سیاسی قلمداد خواهند شد.

بنابراین شرایط تاریخی این‌گونه است که اصلاح‌طلبان نباید تنور انتخابات را برای جریان مقابل گرم کنند بلکه باید شرایط معقول بگذارند.

زیباکلام: مردم از اصلاح‌طلبان قطع امید کرده‌اند

اصلاح‌طلبان ناتوانند از اینکه بابت حمایت از لیست امید و حسن روحانی به مردم پاسخ دهند.

صادق زیباکلام در پاسخ به این سوال نامه‌نیوز که آیا